

## «نگاهی به جایگاه خانواده در حقوق مدنی و اساسی ترکیه»

امپراتوری عظیم عثمانی که امروز جمهوری ترکیه جایگزین آن شده است، قرن‌ها به نام اسلام در آسیای صغیر حکمرانی می‌کرد، خلیفه در راس امور بود، سلطان با نظر خلیفه می‌جنگید و با نظر او جامعه را اداره می‌کرد. گاهی نیز سلطان و خلیفه در یک نفر خلاصه می‌شد. اما با اضمحلال امپراتوری و لغو خلافت در سال ۱۹۲۴ جامعه به سوی سکولاریزم رفت. به طوری که بسیاری از شهروندان جمهوری نو تاسیس، متأثر از مقررات حاکمیت جدید به تدریج رفتار دینی خود را اصلاح کردند. اما هیچ وقت حاضر نشدند عنوان مسلمانی را از روی خود بردارند.

به طوری که آمار جمعیتی این کشور نشان می‌دهد که درصد مسلمان این کشور با وجود دهه‌ها حاکمیت نظام سکولار هنوز ۹۸ درصد است. به بیان دیگر، مردم حاضر نشدند که با پذیرش نظام سیاسی جدید، عقیده و دین خود را نیز از دست بدهند. وانگهی، حکومت نیز برای حفظ محبوبیت خود نتوانست تغییرات بنیادینی در جامعه ایجاد کند.

به عنوان نمونه با وجود رویکرد متفاوت قوانین و مقررات کشور در زمینه خانواده، شهروندان علاقه دارند احکام و ارزش‌های دینی خود را ضمن احترام به قانون رعایت کنند. به طوری که هنوز بسیاری از مردم قبل از انعقاد ازدواج قانونی به عالم دینی مراجعه می‌کنند و او صیغه محرمیت زوجین را می‌خواند.

ناگفته نماند مسائل خانوادگی آن خطه قرن‌ها براساس مجله الحکام عدلیه عثمانی که مقررات و قواعد مدنی دینی را به شکل مدرن در آورده بود، تنظیم می‌شد. اما امروزه، قانون مدنی آن کشور به طور مفصل به مسائل و احکام خانواده پرداخته است. این در حالی بسیاری از مواد آن بدون توجه به احکام دینی تصویب شده است.

در این مختصر در کنار بررسی اجمالی وضعیت عرفی و دینی نکاح و طلاق در ترکیه به حقوق زوجین در قانون مدنی و اساسی آن کشور پرداخته خواهد شد.

### بررسی اجمالی ازدواج و طلاق در ترکیه

۱. همان طور که گفته شد، اغلب مردم ترکیه علاوه بر رعایت تشریفات رسمی ازدواج که در شهرداری‌ها انجام می‌پذیرد، به رعایت تشریفات ضروری دینی نیز پایبندند. چنانکه قبل از رسمی شدن ازدواج نزد عالم دینی رفته و تشریفات خواندن صیغه و تعیین مهریه شرعی را نزد وی بجا می‌آورند. به این نوع ازدواج اصطلاحاً «امام نکاحی» می‌گویند.

۲. در فقه اهل سنت بر خلاف فقه شیعه، حضور حداقل دو نفر برای گواهی تشریفات عقد ضروری است. در واقع عدم رعایت این حکم فقهی موجب بطلان ازدواج آنان می‌شود. این در حالی است این امر در طلاق رعایت نمی‌شود، زیرا که به هنگام خواندن صیغه طلاق نیازی به حضور شاهد نمی‌بینند.

۳. در میان مردم ترکیه، همانند ایران، خواستگاری معمولاً از طرف خانواده مرد آغاز می‌شود. این خانواده مرد است که با گل و شیرینی به خانه دختر می‌رود و در آنجا امر خواستگاری و گفتگو درباره شروط و الزامات عرفی و قانونی مربوط به ازدواج صورت می‌گیرد.

۴. زنان ترکیه متأثر از فرهنگ اسلامی و قرن‌ها حکومت عثمانی، حرمت ویژه‌ای به شوهران خود قائلند و در واقع می‌توان گفت هنوز مرد سالاری ملایم در آن کشور حاکم است. با وجود ظاهر غربی درصد بالایی از زنان، پایبندی آنان به رعایت رسوم شرقی و اسلامی در میان خانواده‌ها به قوت خود باقی است. به طوریکه علیرغم نپرداختن قانون مدنی ترکیه به مسئله نفقه همسر، عملاً بسیاری از زنان مسلمان کار نمی‌کنند و هزینه زندگی آنها از طریق شوهرانشان تامین می‌شود.

۵. با وجود سکوت قانون مدنی، مردم به هنگام نکاح شرعی مهریه را نیز تعیین می‌کنند. نکته مهمی که وجود دارد اینکه میزان مهریه زنان ترک به مراتب کمتر از ایران است که با فرهنگ و سفارش‌های دینی سازگاری کامل دارد. ضمن اینکه به لحاظ حقوقی لزومی به تعیین مهر وجود ندارد. در واقع زندگی حقوقی بسیاری از خانواده‌های ترک با حیات دینی‌شان متفاوت است. همچنین، افراد سکولار تلاش می‌کنند به اتکای قانون مدنی آن کشور از تعهدات شرعی خود طفره روند.

۵. دادن جهاز در نزد مردم ترکیه نیز معمول است. اما تهیه آن عمدتاً به عهده خانواده مرد است تا زن و خانواده زن بیشتر در خرید وسایل خواب و پرده و نظیر این‌ها هزینه می‌کنند. گفتنی است میزان آن در میان خانواده‌های ترک به مراتب کمتر از ایران است که این امر تشکیل خانواده را آسانتر می‌کند.

۶. همانطور که سن ازدواج در ایران به تدریج رو به افزایش است در ترکیه نیز این مسئله در حال وقوع است. چرا که در آنجا نیز اموری چون استقلال طلبی همسران، ادامه تحصیلات در دانشگاه، استخدام و کسب درآمد مستقل از یک طرف و تکالیف مالی شوهر در بدو تشکیل خانواده از طرف دیگر در بالا رفتن سن ازدواج تاثیر می‌گذارند.

### عوامل مهم وقوع طلاق در ترکیه

در اکثر کشورهای جهان، ناسازگاری زوجین عامل مهم جدایی آنان است. در ترکیه نیز کم و بیش این روند وجود دارد. اما اسباب و عوامل ناسازگاری در جوامع مختلف متفاوت است. در ترکیه درآمد کم، نقش عمده ای در جدایی زن و شوهر دارد. همچنین، رفتار نامناسب مردان نیز تاثیر زیادی در جدایی آنان ایفا می‌کند. تندی، بی توجهی به نیازهای طبیعی همسران، عادت به قمار و مشروب خواری و ... از دیگر دلایل وقوع طلاق در آن کشور است.

مردم ترکیه همانند ایران به روابط دوستانه زنان با بیگانان به ویژه در میان خانواده‌های معتقد به ارزش‌های دینی بسیار حساس هستند. این درحالی که زنان لائیک به این حساسیت‌ها توجه چندانی نمی‌کنند. از این رو، رفتار نامناسب زنان نیز در وقوع طلاق اثرگذار است.

علی‌رغم حساسیت بانوان ترک، چند همسری به ویژه در محیط‌های روستایی و مناطق محروم رواج بیشتری دارد و مردان با وجود منع قانونی، توجهی به حکم قانون گذار نمی‌کنند. البته بسیاری از خانواده‌های شهری نظام تک همسری را رعایت می‌کنند اما سنتی‌های ترکیه این عمل را موافق قرآن و جزء حقوق مسلم مرد می‌دانند.

این در حالی است که یکی از عوامل موثر در وقوع طلاق چند همسری است. (نگاه کنید به کتاب *nikah ve boşanma* نوشته حاسب آسوتای)

### سیاست‌های حمایتی دولت و سازمان‌های مردمی

ازدواج یک عقد مدنی است. به بیان دیگر، بذر اولیه جامعه مدنی از تشکیل خانواده شروع می‌شود. بسیاری از جوانان بدون توان مادی قادر به تشکیل خانواده نیستند و نیازمند یاری دیگران هستند.

در این میان، نقش والدین بی‌بدیل است و کسی نمی‌تواند جای آنان را بگیرد. هرچند دولت نیز با اعطا وام و مسکن ... می‌تواند به یاری افراد ناتوان بشتابد. شوربختانه، علی‌رغم توجه دولت ترکیه به این امر هنوز بسیاری از خانواده‌ها امکان تشکیل آن را ندارند. در کنار خانواده و دولت نهاد‌های خیریه خصوصی نیز در این امر مثبت‌ایفای نقش می‌کنند. به طوریکه موسساتی چون دنیز فتری که مورد حمایت دولت هم است کمک زیادی به خانواده‌های بی‌بضاعت می‌کنند و مراسم ازدواج را به صورت گروهی برگزار می‌کنند. برخی از شبکه‌های تلویزیونی نیز در این امر نقش خوبی دارند.

## حقوق زن در قوانین ترکیه

یکی از منابع اساسی حقوق هر کشور، قوانین موضوعه آن کشور است. چرا که بسیاری از حقوق اشخاص در قوانین کشورها تصریح و تعیین می‌گردد و از طریق مراجعه به قوانین است که می‌توان حدود آنرا تشخیص داد. در میان قوانین موجود هر کشور دو قانون اساسی و مدنی نقش اصلی را در تبیین و تعیین حقوق خانواده ایفا می‌کنند. این درحالی که مجازات تجاوز به حقوق افراد عمدتاً در قانون مجازات کشورها ذکر می‌شود.

با توجه به مراتب فوق، کوشش می‌شود که حقوق خانواده براساس مواد مندرج در قانون اساسی و مدنی ترکیه مورد بحث و بررسی قرار بگیرد. امید است با مطالعه این نوشته بتوان به پاره‌ای از مسایل مربوط به حقوق زن در ترکیه واقف شد.

### الف - زن و حقوق مدنی

#### ۱. استفاده از حقوق مدنی

براساس ماده ۸ قانون مدنی ترکیه: "هر شخص از حقوق مدنی بهره‌مند است. از این رو، هر کس در حدود قانون به لحاظ داشتن اهلیت در حقوق و تکالیف مساوی است."

چنانکه ملاحظه می‌کنید، ماده مذکور تفاوتی میان زن و مرد نگذاشته و استفاده از حقوق مدنی را حق همه افراد جامعه دانسته است. صلاحیت استفاده از حقوق و تکالیف نیز مشمول همین حکم است. همچنین، داشتن رشد، شرط اصلی صلاحیت استفاده از حقوق است. (ماده ۱۰ ق.م.ترکیه) و کسی رشید است که ۱۸ سال داشته باشد و یا ازدواج کند. (ماده ۱۱ ق.م.ترکیه)

ملاحظه می‌شود که سن رشد زن و مرد در حقوق مدنی ترکیه برابر است و قانونگذار فرقی میان آن دو قائل نشده است.

#### ۲. اقامتگاه قانونی

می‌دانیم که همه افراد باید اقامتگاه قانونی داشته باشند. اقامتگاه فرزندان و افراد محجور همان اقامتگاه ابوبین و قیم آنان است. اقامتگاه زن وشوهری هم که با هم زندگی می‌کنند، همان اقامتگاه شوهر است. اما چنانچه زن جدا از شوهر زندگی کند، می‌تواند اقامتگاه جداگانه‌ای داشته باشد. (ماده ۲۱ ق.م.ترکیه)

#### ۳. ازدواج

#### ۴. سن ازدواج

سن ازدواج در کشورهای دنیا یکسان نیست. همین وضعیت در مورد ترکیه نیز صادق است. به طوری که براساس ماده ۱۲۴ ق.م.ترکیه ترکیه: "دختر و پسر قبل از اتمام ۱۷ سالگی نمی‌توانند ازدواج کنند. اما حاکم در شرایط فوق العاده و به سبب یک امر مهم می‌تواند به دختر و پسری که شانزده سال تمام دارند اذن ازدواج بدهد. قاضی قبل از صدور جواز خود، در صورت امکان نظرات مادر، پدر یا وصی را استماع می‌کند."

همان طور که از ماده فوق پیداست، سن ازدواج در دختر و پسر برابر است. همچنین، در صورت امکان شنیدن مطالب مادر، پدر و قیم توسط قاضی برای دادن جواز ازدواج برای افراد ۱۶ سال تمام لازم است. اما اگر دادگاه به آنان دسترسی نداشته باشد، خود می‌تواند به طور مستقیم اذن لازم را صادر کند.

#### ۵. دادن اذن نکاح

براساس مواد ۱۲۶ و ۱۲۷ ق.م.ترکیه ترکیه ، صغیر یا محجور بدون اذن نماینده قانونی خود ( پدر و مادر یا قیم) نمی تواند ازدواج کند. اما براساس ماده ۱۲۸ اگر نمایندگان قانونی بدون دلیل با ازدواج آنان مخالفت کنند، دادگاه می تواند اذن ازدواج را صادر کند. در حقوق ترکیه رضایت مادر و قیم نیز برای تحقق نکاح مؤثر است .

#### ۶. ازدواج مجدد زن بعد از وفات شوهر

زن در حقوق ایران بعد از وفات شوهر عده وفات می گیرد که مدت آن ۴ ماه و ده روز است و در مدت عده نمی تواند با فرد دیگری ازدواج کند . در حقوق ترکیه آنکه می خواهد دوباره ازدواج کند، باید ثابت کند که همسر دیگری ندارد. (ماده ۱۳۰ ق.م.ترکیه).

همچنین، براساس ماده ۱۳۲ ق.م.ترکیه زن حامله ای که می خواهد با دیگری ازدواج مجدد بکند باید از تاریخ طلاق مدت ۳۰۰ روز گذشته باشد. با وضع حمل این مدت پایان می یابد. اما حاکم مدت مذکور را برای نکاح مجدد زن و شوهری که از هم جدا شده اند یا زنی که معلوم شود حامله نیست نادیده می گیرد.

همان طوری که ملاحظه می شود در حقوق ترکیه زن و شوهر جدا شده از همدیگر در صورت رجوع باید برای نادیده گرفته شدن مدت ۳۰۰ روز مذکور از حاکم اذن بگیرند. اما در حقوق ایران ، زن و شوهری که از همدیگر جدا شده اند، در صورت تمایل به رجوع ، نیازی به حکم دادگاه ندارند. همچنین مدت عده در طلاق و بطلان نکاح ۳۰۰ روز نیست بلکه سه طهر کامل است.

#### ۷. بطلان ازدواج

در حقوق ترکیه چند همسری قانونی شمرده نشده است به طوری که براساس بند اول ماده ۱۴۵ "چنانچه یکی از طرفین (اعم از زن و مرد) در زمان اجرای مراسم نکاح متأهل باشند ، ازدواج مذکور محکوم به بطلان است . " همچنین براساس بند ۲ و ۳ ماده مذکور، "چنانچه هر یک از طرفین در زمان اجرای عقد نکاح محجور (غیر ممیز و مجنون ) باشند، عقد آنان باطل است . "

از این رو، براساس قانون مدنی آن کشور، چند همسری مجاز شمرده نشده است و زن و مردی که بدون توجه به قانون با فرد ثالثی نیز ازدواج کند ، عقدش باطل و فاقد هرگونه اثر حقوقی است . همچنین ازدواج با غیرممیز و مجنون باطل شمرده شده ، این در حالی است که درحقوق ایران ازدواج مرد متأهل با زن دیگر باطل نیست و صرفاً به رضایت همسر اولی بستگی دارد. همچنین ازدواج با محجور باطل نیست بلکه از موارد فسخ شمرده شده است. ازدواج با محارم (نسبی و سببی ) نیز از موارد بطلان نکاح است . (بند ۴ ماده ۱۴۵ ق.م.ترکیه ترکیه )

**ذکر این مطلب لازم است که قانون تک همسری در پاره ای از نقاط ترکیه رعایت نمی شود چرا که از نظر آنان صیغه شرعی برای صحت عقد نکاح کفایت می کند و برای انجام آن به امام جماعت محل مراجعه می شود که به این نوع ازدواج ، "نکاح امام" می گویند. اضافه می شود که اغلب مردم برای انجام عقد ابتدا به نزد امام می روند و بعد از آن برای ثبت ازدواج به مأمور رسمی ازدواج مراجعه می نمایند. اما از دیدگاه قانون مدنی ، برای صحت ازدواج رعایت موارد مذکور و مراجعه به دفتر ثبت ازدواج که در شهرداری ها مستقر است کفایت می کند و نیازی به خواندن صیغه شرعی وجود ندارد.**

#### ۸. طلاق

در قانون مدنی ترکیه، طلاق بدون دادخواست انجام نمی گیرد. از این رو، هر یک از زن و شوهر برای جدایی از یکدیگر باید ابتدا دادخواست طلاق به دادگاه بدهد. در موارد ذیل هر یک از طرفین می تواند نسبت به تقدیم دادخواست طلاق به محکمه اقدام کند :

#### - ارتکاب زنا

عمل زنا از اسباب درخواست طلاق است. از این رو، زن یا شوهر می تواند به استناد زناي همسر، دادخواست جدایی از وی را به دادگاه تقدیم کند. حق دادخواست طلاق از تاریخ اطلاع از ارتکاب زناي هر یک از همسران، ۶ ماه و به هر حال از تاریخ وقوع زنا نباید بیش از ۵ سال گذشته باشد. در صورت عفو هر یک از طرفین، اقامه دعوی آنها مسموع نیست. (ماده ۱۶۱ ق.م.ترکیه)

#### - قصد جان و رفتار سوء

چنانچه هر یک از زوجین قصد جان دیگری را کرده یا رفتار بسیار سوئی داشته و یا به شدت اعتبار دیگری را نقض کرده باشد، طرف زیان دیده می تواند به سبب آن در دادگاه اقامه طلاق کند. مدت اقامه دعوا، ۶ ماه از تاریخ اطلاع به سبب دعوی طلاق و در هر حال از تاریخ وقوع قصد یا رفتار بد حداکثر ۵ سال است. در صورت عفو، دعوی مسموع نیست. (ماده ۱۶۲ ق.م.ترکیه)

#### - ارتکاب جرم تردیلی یا بی حیثیتی نسبت به طرف مقابل

چنانچه هر یک از شوهر یا زن، مرتکب جرم تردیلی شود یا موجب بی آبرویی و عدم حیثیت طرف مقابل شود، زیان دیده می تواند نسبت به تقدیم دادخواست طلاق به دادگاه اقدام کند. (ماده ۱۶۳ ق.م.ترکیه)

#### - ترک همسر

ترک همسر نیز از اسباب درخواست طلاق است. از این رو، چنانچه هر یک از زن یا شوهر حداقل ۶ ماه متوالی بدون دلیل موجهی منزل مشترک را ترک کند؛ طرف مقابل می تواند نسبت به تقدیم دادخواست طلاق در محکمه اقدام کند. دادگاه نیز می تواند به درخواست زیان دیده، به طرف مقابل مدت دو ماه برای برگشت به منزل مهلت دهد. این اخطار در صورت لزوم به صورت اعلان انجام می شود. در صورت عدم بازگشت او، دادگاه نسبت به صدور حکم طلاق اقدام می کند. (ماده ۱۶۴ ق.م.ترکیه)

#### - جنون

دیوانگی نیز از اسباب حق درخواست طلاق است. به طوری که براساس ماده ۱۶۵ ق.م.ترکیه، چنانچه براساس نظر کمیسیون بهداشت امکان برگشت هر یک از زوجین به سلامتی عقلی نداشته باشند و این وضعیت برای ادامه زندگی مشترک غیرقابل تحمل گردد، طرف مقابل می تواند به دادگاه درخواست طلاق بدهد. در قانون مدنی ایران جنون از موارد فسخ است. (ماده ۱۱۲۱ ق.م.ترکیه ایران)

#### - متلاشی شدن زندگی مشترک

چنانچه زندگی مشترک که حداقل یک سال از آن گذشته باشد، در حد غیرقابل انتظار متزلزل گردد و این وضعیت تداوم داشته باشد، هر یک از طرفین می توانند نسبت به درخواست طلاق اقدام کنند. (ماده ۱۶۶ ق.م.ترکیه)

چنانچه که ملاحظه شد:

اولاً هر یک از زوجین در صورت وقوع هر کدام از اسباب ذکر شده می تواند تقاضای طلاق کند و دادخواست طلاق ویژه مرد نیست بلکه زن نیز از این حق برخوردار است.

ثانیاً طلاق با حکم دادگاه انجام می شود. ضمن اینکه دادگاه با ملاحظه پرونده می تواند نسبت به صدور حکم طلاق یا تفریق جسمانی اقدام کند (ماده ۱۶۷ ق.م.ترکیه) که در صورت حکم به جدایی (نه طلاق) این مدت حداقل یک سال و حداکثر ۳ سال خواهد بود. (ماده ۱۷۱ ق.م. ترکیه) و در صورتی که زوجین در مدت یاد شده به یکدیگر رجوع نمایند، مدت جدایی پایان می یابد و زوجین برای دادخواست طلاق اقدام می کنند. (ماده ۱۷۲ ق.م. ترکیه)

لازم به یادآوری است که در حقوق مدنی ایران، طلاق زوجه منوط به ذکر اسباب نیست اما زوجه خواهان طلاق باید در دادخواست خود دلیل مفارقت را قید کند. به طوری که در صورت عدم توافق زوجین برای طلاق، زن نمی تواند بدون اثبات عسر و حرج خود در زندگی زناشویی در محکمه درخواست صدور جواز طلاق بکند. (ماده ۱۱۳ ق.م.ترکیه ایران)

#### ۹. احوال شخصی زن مطلقه

زن بعد از طلاق می تواند احوال شخصی خود را که از ازدواج به دست آورده حفظ کند. همچنین نام خانوادگی زمان تجرد خود را مجدداً کسب می کند. اگر زن مطلقه در حفظ نام خانوادگی زمان تأهل منفعتی دارد و ضرری متوجه شوهر نمی شود، قاضی می تواند به تقاضای او، نسبت به حفظ نام خانوادگی زمان تأهل (نام خانوادگی شوهر) اذن بدهد. مرد در صورت تغییر شرایط می تواند از حاکم تقاضای لغو جواز فوق را بکند. (ماده ۱۷۳ ق.م.ترکیه)

#### ۱۰. درخواست نفقه بعد از وقوع طلاق

براساس ماده ۱۷۵ ق.م.ترکیه "چنانچه هر یک از زن یا مرد به سبب وقوع طلاق متحمل فقر و تنگدستی شود و در وقوع آن قصور سنگینی نداشته باشد، می تواند از همسر به قدر وسع او به طور دائم درخواست نفقه کند. اما مرد در صورتی می تواند از همسر تقاضای نفقه کند، که او مرفه باشد."

ملاحظه می شود که در قانون مدنی ترکیه، نفقه بعد از طلاق تأدیه می شود نه در دوران زندگی مشترک و پرداخت آن صرفاً به عهده مرد نیست بلکه زن مرفه نیز در صورت معسر بودن شوهر هزینه زندگی او را تأمین می کند. این پرداخت تا زمان رفع فقر و تنگدستی تداوم پیدامی کند. افزایش و کاهش میزان آن نیز نیازمند حکم دادگاه است. اما در قانون مدنی ایران پرداخت نفقه (در طول دوران زناشویی) فقط به زوجه تعلق می گیرد و مشمول حال زوج نمی شود. (ماده ۱۱۶ ق.م.ایران)

#### ۱۱. حقوق و تکالیف زوجین

زن و شوهر در طول دوران زناشویی حقوق و تکالیفی نسبت به یکدیگر و اعضای خانواده دارند که ذیلاً بررسی می شود:

##### - ریاست خانواده

به موجب ماده ۱۸۵ ق.م.ترکیه: "با برقراری ازدواج میان زن و شوهر واحد خانواده تشکیل می شود. همچنین بر اساس ماده ۱۸۶ قانون مدنی آن کشور انتخاب منزل، نگهداری و معاش فرزندان به شکل مناسب به عهده هر دوی آنان است." اما در حقوق ایران ریاست خانواده با مرد است و ولایت بر اولاد و تأمین زندگی آنان نیز به عهده اوست. (مواد ۱۱۰۵، ۱۱۱۴ و ۱۱۸ ق.م.ایران)

این ماده با اصلاح اصل ۴۱ قانون اساسی در سال ۲۰۰۱ اصلاح شد. به موجب اصل مذکور ریاست خانواده با زوجین است. بنابر این، طبق اصل مذکور ریاست زوج به تنهایی ممکن نیست. با این حال، باید گفت صرف ماده قانونی نتوانسته اختیار و حاکمیت زن را در خانواده دچار تحول کند. چرا که مرد سالاری جز فرهنگ اصیل ترکیه است. از این رو، براساس فرهنگ اسلامی باقی

مانده از دوران ، همچنان لزوم حرمت شوهر نزد همسر محفوظ است ؛ هرچند زنان سکولار ترکیه تلاش می کنند این وضعیت را به نفع خود تغییر دهند که تا حدودی موفق بوده اند.

- تغییر نام خانوادگی همسر

به موجب ماده ۱۸۷ ق.م.ترکیه ترکیه : "زن ، نام خانوادگی شوهرش را بر خود می گیرد. همچنین ، می تواند درکنار نام خانوادگی شوهر از نام خانوادگی خود نیز استفاده کند. اما زنی که دو نام خانوادگی را بکار برده ، تنها می تواند از این حق برای یک نام خانوادگی بهره ببرد ."

- نمایندگی خانواده

براساس ماده ۱۸۸ ق.م.ترکیه ترکیه : "هریک از زوجین در تامین نیازهای زندگی مشترک نمایندگی واحد خانواده را عهده دار می شوند."

بنابر این ، زن یا مرد هر دو به طور مشترک مسئول امور خانواده هستند . " اما "چنانچه هر یک از آنها از صلاحیت نمایندگی خود عبور کند یا کوتاهی کند صلاحیت آنان طبق حکم دادگاه محدود می شود." (ماده ۱۹۰ ق.م.ترکیه)

۱۲. شغل زن

براساس ماده ۱۹۲ ق.م.ترکیه زن و مرد در انتخاب شغل موظف به کسب نظر یکدیگر نیستند. با این حال، در انتخاب شغل باید به آسایش و نفع خانواده نیز اندیشید. این در حالی است که موجب ماده ۱۱۱۷ ق.م. ایران "شوهرمی تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند."

۱۳. صلاحیت دعوی

به موجب ماده ۱۹۴ ق.م.ترکیه هیچ یک از زوجین بدون رضایت یکدیگر نمی تواند قرارداد اجاره را فسخ کند، به دیگری واگذار کند و حقوق خانوادگی را محدود کند.

ازاین رو، در قانون مدنی ترکیه محل اقامت مشترک تنها با نظر شوهر تعیین یا تخلیه نمی شود بلکه نیازمند هماهنگی و همفکری هردو آنان است. این درحالی است که حقوق ایران در زمینه تعیین و تخلیه محل اقامت نظر شوهر ملاک است. برای اینکه مسکن از لوازم نفقه است و این شوهر است که هزینه های آنرا تامین می کند. (مواد ۱۱۱۴ و ۱۰۰۵ قانون مدنی ایران). با این حال، مرد می تواند حق تعیین محل سکونت را به همسر بدهد.

۱۴. حفظ وحدت خانواده

به موجب ماده ۱۹۵ ق.م.ترکیه : "چنانچه هر یک از زوجین در انجام وظایف خانوادگی کوتاهی کنند یا عمل مهمی را که منجر به عدم هماهنگی خانواده می شود مرتکب شوند، طرف زیان دیده می تواند مداخله حاکم را درخواست کند .

حاکم برای بجا آوردن وظایف مقرر به زوجین اخطار می دهد. آنها را به سازش دعوت می کند. با رضایت آنان کارشناس خانواده را برای کمک به سازش آنان دعوت می کند و به درخواست هریک از زوجین تدابیر پیش بینی شده در قانون را اتخاذ می کند ."

۱۵. توقف زندگی مشترک

به موجب ماده ۱۹۷ ق.م.ترکیه : "چنانچه هر یک از زوجین به خاطر زندگی مشترک به لحاظ شخصیت ، امنیت اقتصادی و آسایش خانوادگی با خطر جدی مواجه شود، می تواند مسکن جداگانه ای را اختیار کند.

زن و شوهر، در زمان اقامه دعوی طلاق یا جدایی ، حق دارند که به طور جداگانه زندگی نمایند. چنانچه هر یک از زوجین دارای حق سکونت جداگانه باشد، حاکم در مورد چگونگی تامین هزینه زندگی آنکه منزل را ترک می کند ، استفاده از اثاث منزل یا حضانت فرزندان صغیر تصمیم می گیرد."

۱۶. کوتاهی شوهر در انجام وظایف خانوادگی

به موجب ماده ۱۹۸ ق.م.ترکیه : "چنانچه هریک از زوجین نسبت به تامین تکالیف مالی خانوادگی که بر عهده اوست بجا نیاورد، حاکم می تواند برای پرداخت دیون ، به طور کامل یا بخشی از آن ها به طرف مسئول دستور دهد.

در حقوق ایران پرداخت هزینه زن و اولاد تماما به عهده شوهر است اما چنانچه شوهر نتواند به خاطر ناتوانی مالی به وظایفش عمل کند ، زن در خصوص حضانت و تأمین زندگی اولاد مشترک مسؤولیت پیدا می کند.

۱۷. محکمه صلاحیتدار

طبق ماده ۲۰۱ ق.م.ترکیه برای اتخاذ تدابیر درباره حفاظت از واحد خانواده ، دادگاه صلاحیتدار محل اقامت زوجین است. در صورت اختلاف محل اقامت ، دادگاهی صلاحیت رسیدگی دارد که یکی از زوجین به اولین دادگاه محل اقامت خود مراجعه کند.

۱۸. تصرف هر یک از زوجین در اموال یکدیگر

به موجب ماده ۲۰۲ ق.م.ترکیه : "اصل بر این است که رژیم مالی زوجین مشترک باشد. با این حال، هریک از آنها براساس نظام مالی مقرر در قانون می تواند یکی دیگر از رژیم های مالی را برگزیند."

۱۹. جدایی اموال زوجین

بر اساس ماده ۲۰۶ "در صورت وجود یک دلیل موجه ، حاکم به درخواست یکی از زوجین می تواند به برقراری رژیم مالی مستقل حکم بدهد.

۲۰. نمایندگی خانواده

بر اساس ماده ۱۸۸ ق.م.ترکیه هر یک از زوجین در زمان دوام زندگی مشترک برای برآورده کردن نیازهای مستمر اعضای خانواده ، به نمایندگی از واحد خانواده عمل می کند.

۲۱. انتخاب مسکن مشترک

بر طبق ماده ۱۸۶ ق.م.ترکیه زوجین مسکنی را که در آن سکونت می کنند به طور مشترک برمی گزینند. خانواده را به طور مشترک اداره می کنند.زوجین در تامین نیازهای خانواده بر اساس کار و توان مالی خود مشارکت می کنند.

۲۲. حق استفاده از اموال

به موجب ماده ۲۴۴ ق.م.ترکیه : " هر یک از زوجین در حدود قانون حق استفاده از اموال خود را داراست ."

۲۳. سهم همسر در هزینه های خانواده



به موجب ماده ۱۹۶ ق.م.ترکیه : "به درخواست هریک از زوجین ، سهم هریک از آندو برای اداره خانواده مشخص می شود ."

#### ۲۴. افلاس یکی از زوجین

به موجب ماده ۲۰۹ ق.م.ترکیه : "در صورت افلاس یکی از زوجین ، رژیم مالی مشترک آنان به رژیم مالی مستقل تبدیل می شود.

از این رو، همسر مفلس نمی تواند به اعتبارمشترک بودن اموال از مقررات افلاس فرار کند. به بیان دیگر ، زمینه تبانی آنان در شرایط افلاس با تدبیر ماده فوق از بین می رود.

#### ۲۵. سهم همسر از اموال مشترک

به موجب ماده ۲۷۶ ق.م.ترکیه : با موت هر یک از زوجین یا قبول یک رژیم مالی دیگر و پایان اشتراک مالی ، نصف اموال به هر همسر یا وراث او داده می شود . امکان یک توافق تقسیم مالی دیگر از طریق قرارداد رژیم مالی وجود دارد. اما این تقسیمات نمی تواند سهم مالی فرزندان را مخدوش کند.

#### ۲۶. پایان اشتراک اموال

طبق ماده ۲۰۶ ق.م.ترکیه حاکم در صورت وجود دلیل موجه ، به درخواست هریک از زوجین می تواند به جدایی اموال آنان حکم دهد.

#### ۲۷. عدم اثبات مالکیت شخصی

بر اساس ماده ۲۶۱ ق.م.ترکیه در صورتی که یکی از زوجین نتواند مال شخصی خود را اثبات کند ، کلیه ارزش های مالی به عنوان مال مشترک محسبو می شود.

#### ۲۸. ولایت

ولایت والدین بر اولاد: همان طوری که می دانیم در حقوق مدنی ایران ولایت اطفال به عهده پدر یا جد پدری است و مادر تنها حق حضانت بر اطفال را عهده دار است . ازاین رو، اداره امور حقوقی و اقتصادی فرزندان صغیر با پدر یا جد پدری است . از دیدگاه قانون پدر و جد پدری اولیاءقهری فرزندان محسوب می شوند. ازاین رو، تغییر ولی ممکن نیست و مادر نمی تواند نقش پدر را ایفا کند . اذن ازدواج اولاد مؤنث نیز هرچند که رشیده باشند، با پدر و جد پدری است . ازاین رو، دختر در صورت نداشتن پدر و جد پدری تحت ولایت مادر قرار نمی گیرد و می تواند بافردی که موانع نکاح ندارد، بدون اذن مادر ازدواج کند . (مواد ۱۰۴۳ ، ۱۱۸۰ ، ۱۱۸۳ ، ۱۱۸۴)

اما در حقوق مدنی ترکیه ، فرزند در زمان صغر تحت ولایت پدر و مادر است . (ماده ۳۳۵ ق.م.ترکیه ) اجرای ولایت نیز تازمانی که زوجیت دوام دارد ، به طور مشترک انجام می یابد و در صورت اختلاف ، رأی پدر معتبر است . (ماده ۳۳۶ ق.م.ترکیه ) با وفات هر یک از زن و شوهر، ولایت به آنکه زنده است و در زمان جدایی آن دو، به مادر تعلق دارد. اما اگر مادر صغیر یا محجور یا مرده باشد یا ولایت او سلب شده باشد ، حاک بر اساس مصلحت فرزند قییم انتخاب می کند و یا ولایت او را به پدر واگذار می کند. (ماده ۳۳۷ ق.م.ترکیه )

نامگذاری بچه به عهده پدر و مادر است . فرزند موظف به اطاعت از پدر و مادر است . والدین نیز مکلف به تربیت فرزند به ویژه معلول وضعیف العقل هستند. (ماده ۳۳۹ ق.م.ترکیه )

تربیت دینی فرزند به عهده پدر و مادر است . فرزند رشید در انتخاب دین آزاد است . (ماده ۳۴۱ ق.م.ترکیه). فرزند در گوش دادن به امر والدین مکلف است. (ماده ۳۳۹ ق.م.ترکیه )

پدر و مادر در حدود ولایت خود در قبال اشخاص ثالث نسبت به فرزندان ، نمایندگی قانونی دارند. (ماده ۳۴۲ ق.م.ترکیه )  
پدر و مادر در شرایط دوام ولایتشان ، اموال فرزند خود را اداره می کنند و در این خصوص موظف به دادن حساب و تضمین نیستند. اما چنانچه والدین به وظایفشان عمل نکنند ، حاکم تصمیم مقتضی را می گیرد. (ماده ۳۵۲ ق.م.ترکیه )  
درآمدهای فرزند در وهله اول به تربیت و تعلیم او هزینه می شود، و اضافه بر نیاز او به هر یک از پدر یا مادر که هزینه های خانواده به عهده اوست داده می شود. (ماده ۳۵۵ ق.م.ترکیه )

همان طور که ملاحظه گردید، زن و مرد هر دو در ولایت اولاد مشترکند و فرقی میان آن دو نیست . در خصوص نفقه اولاد نیز فرقی میان آندو گذاشته نشده است و به ذکر یک ماده کلی اکتفا شده است . (ماده ۳۶۴

ق.م.ترکیه ) از این رو، مادر نیز همانند پدر در نفقه اولاد سهیم است . البته این تکلیف در صورتی به عهده مادر است که توان تأدیه نفقه را داشته باشد.

۲۹. ارث

در حقوق ایران ، سهم الارث اولاد ذکور و اناث متفاوت است . دختر نصف پسر سهم الارث می برد. (ماده ۹۷ ق.م.ایران ) اما در حقوق ترکیه ، این تفاوت پذیرفته نشده است . به طوری که مطابق صریح ماده ۴۹۵ ق.م.ترکیه ترکیه : "فرزندان ، به طور مساوی ارث می برند."

در مورد میزان ارث پدر و مادر نیز حقوق مدنی ایران به قاعده مذکور پایبند است یعنی سهم الارث مادر نصف پدر است . اما حقوق مدنی ترکیه ، فرقی میان پدر و مادر نگذاشته است (ماده ۴۹۶ ق.م.ترکیه). نیز مطابق ماده مذکور چنانچه متوفی اولاد نداشته باشد، پدر و مادر وارث او خواهند بود. حق الارث آن دو برابر است .

"چنانچه متوفی نه اولاد و نه پدر و مادر داشته باشد ، وارثان او پدر و مادر بزرگش خواهند بود. آنان به طور مساوی ارث می برند." (ماده ۴۹۷ ق.م.ترکیه )

۳۰. ارث همسر

به موجب ماده ۴۹۹: "همسری که در قید حیات است ، در قبال سایر وراث ، از همسر متوفی به نسبت ذیل ارث می برد:

۱- چنانچه ، با اولاد متوفی (همسر) هم ارث باشد، یک چهارم اموال متوفی را به ارث می برد.

۲- چنانچه با والدین متوفی یا اولاد آندو، هم ارث باشد ، یک دوم اموال متوفی را به ارث می برد.

۳- چنانچه با پدر و مادر بزرگ متوفی هم ارث باشد، سه چهارم اموال متوفی را به ارث می برد.

و در صورت نبودن هیچ کدام از افراد مذکور ، تمامی میراث متوفی را به ارث می برد."

۳۱. ارث فرزند خوانده

قانون مدنی ترکیه ، فرزندخواندگی را به رسمیت شناخته است . از این رو، می توان فرزند دیگری را تحت شرایطی به فرزندى قبول کرد. فرزندخوانده و اولاد او نیز از پدر و مادرخوانده ارث می برند. به طوری که مطابق ماده ۵۰۰ ق.م . ترکیه : "فرزند خوانده و اولاد او، همانند فرزندحقیقی از شخصی که او را به فرزندى قبول کرده ، ارث می برد."

### ۳۲. ارث دولت

به موجب ماده ۵۰۱ ق.م.ترکیه : "چنانچه متوفی وارث نداشته باشد، اموال او به خزانه دولت منتقل می شود."

ب - زن و قانون اساسی

### ۳۳. زن و برابری در مقابل قانون

قانون اساسی ترکیه در بحث از برابری در مقابل قانون همه را یکسان دانسته است به طوری که به موجب اصل ۱۰ ق.ا. ترکیه : افراد صرف نظر از زبان، نژاد، رنگ، جنسیت، اندیشه سیاسی، اعتقاد فلسفی، دین ، مذهب و... در مقابل قانون برابرند و هیچ فرد، خانواده، گروه و صنفی در مقابل قانون از امتیاز خاصی برخوردار نمی باشد. نهاد های دولتی و مقامات اداری مکلفند در کلیه امور و برای بهره مندی از هر نوع خدمت عمومی طبق قانون و با رعایت اصول برابری عمل نمایند. زنان و مردان از حقوق برابر برخوردارند. دولت موظف است این برابری را با تصویب قانون تامین نماید.

از این رو ، زن یا مرد بودن سبب امتیاز و برخورداری بیشتر از حقوق عمومی و امکانات دولتی نیست و هر دو در مقابل قانون برابرند.

### ۳۴. خانواده و حرمت آن

به موجب اصل ۲۰ .ا. ترکیه : "هر کس حق درخواست حرمت گذاری به زندگی خصوصی و زندگی خانوادگی را دارا می باشد. اسرار زندگی خصوصی و خانوادگی مصون از تعرض است ."

### ۳۵. حمایت از خانواده

به موجب اصل ۴۱ ق.ا. ترکیه : خانواده اساس جامعه و مبتنی بر برابری میان زوجین است. دولت برای آسایش و رفاه خانواده ها به ویژه مادران و کودکان و اجرای برنامه های آموزشی تدابیر لازم را اتخاذ می کند و در این خصوص تشکیلاتی را ایجاد می کند.

### ۳۶. زن و کار

بر اساس اصل ۵۰ ق.ا. ترکیه : "هیچ کس را نمی توان در کاری که مناسب با سن ، جنسیت و توان او نباشد به کار گماشت .

کودکان ، زنان و معلولان بدنی و روحی ، به لحاظ شرایط کار به طور ویژه مورد حمایت قرار می گیرند."

### ۳۷. حق تابعیت فرزندان

به موجب اصل ۶۶ ق.ا.ترکیه : هر کس که از طریق تابعیت به کشور وابسته باشد، ترکیه ای است. فرزند پدر یا مادر ترک ، ترکیه ای است. تابعیت، مطابق شرایط مقرر در قانون قابل اکتساب است و صرفاً در موارد مذکور در قانون از بین می‌رود. سلب تابعیت هیچ ترکیه ای بدون انجام عملی که با پایبندی به وطن ناسازگار باشد، ممکن نیست. برای اعتراض به قرار سلب تابعیت می‌توان به محکمه مراجعه کرد.

### ۳۸. زن و ریاست جمهوری

برطبق اصل ۱۰۱ ق.ا.ترکیه : رئیس جمهور با داشتن چهل سال کامل ، تحصیلات عالی و صلاحیت برای انتخاب به عنوان نمایندگی مجلس از میان شهروندان ترک به طور مستقیم از طرف مردم برگزیده می شود. مدت خدمت رئیس جمهور ۵ سال است. یک شخص حداکثر دوبار می تواند به عنوان رئیس جمهور انتخاب شود. احزاب سیاسی که به تنهایی یا با هم حداقل واجد ۵ درصد آراء معتبر در آخرین انتخابات با حداقل ۱۰۰ هزار رای دهنده باشند، می توانند برای انتخابات ریاست جمهوری نامزد شوند.

از این رو، برطبق اصل فوق زن و مرد با کسب شرایط فوق می توانند نامزد انتخابات ریاست جمهوری شوند.

### ۳۹. زن و نمایندگی مجلس

برطبق اصل ۷۶ ق.ا.ترکیه هر شخص ترک که هیجده سال خود را تمام کرده باشد می تواند به عنوان نماینده مجلس انتخاب شود.

اشخاص ذیل نمی توانند به عنوان نماینده مجلس انتخاب شوند: فاقدین حد اقل مدرک تحصیلی ابتدایی، محجورین ، افراد مرتبط با خدمت نظام وظیفه ، محکومین به یک سال یا بیشتر زندان و مجازات با حبس سنگین جز در مورد مجازاتهای تقصیری، مرتکبین جرایم ذمه، اختلاس، ارتکاب خلاف، رشوه، سرقت، جعل، کلاه برداری، سوء استفاده از عقیده، ورشکسته به تقصیر و نظیر آنها ، مرتکبین قاچاق، فساد در مزایده ها و مناقصات رسمی و دادو ستد ها ، افشای اسرار دولتی، شرکت در عملیات ترور و محکومین به تحریک و تشویق یکی از این نوع اقدامات مجرمانه، هرچند که مشمول عفو شوند .

همچنین قضات و دادستان ها، شاغلین نهاد های عالی قضایی ، اعضای هیات علمی شاغل در نهاد های سازمان آموزش عالی ، اعضای سازمان آموزش عالی، کارکنان ادارات دولتی و سایر مامورانی که در خدمات غیر کارگری مشغولند و شاغلین قوای مسلحه ، نمی توانند بدون کناره گیری از شغل خود برای نمایندگی در مجلس نامزد و به عنوان نماینده انتخاب شوند.

تهیه کننده: علی حکیم پور، کارشناس فرهنگی اداره کل توسعه روابط فرهنگی آسیا و اقیانوسیه سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی

انتهای پیام/